

تحلیل تاثیر طلاق بر افت تحصیلی دانش آموزان

علی جوکار^۱، سیدسهراب حسینی^۲، محمدرضا رزمجو^۳، علیرضا رزم جو^۴، مهدی شیردل^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز

^۳ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان مطهری شیراز

^۴ دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره و راهنمایی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز

^۵ کارشناسی آموزش مشاوره و راهنمایی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز

چکیده

زمینه و هدف: طلاق بدترین راه حلی است که والدین برای خلاص شدن از مشکلات خانوادگی انتخاب می کنند. این اتفاق علاوه بر اینکه آثار مخربی برای والدین دارد بر روی نوجوانان نیز آثار روحی و روانی بسیار بدی خواهد داشت. اثرات مخرب طلاق بر نوجوانان آنقدر زیاد است که اگر والدین درباره تک تک آن ها بدانند باز هم کم است. از مهم ترین اثرات مخرب طلاق بر نوجوانان، افت شدید تحصیلی آن هاست، قطعاً تمام نوجوانان دچار این افت خواهند شد و علاوه بر آن قدرت یادگیری و تمرکز آنها بسیار پایین می آید. به همین دلیل بعد از طلاق باید بیشتر مراقب درس فرزند خود باشید. زیرا ممکن است او به یک باره دوست نداشته باشد درسش را ادامه دهد و یا انگیزه ای برای درس خواندن نداشته باشد. هدف اصلی پژوهش بررسی تاثیر طلاق بر افت تحصیلی دانش آموزان می باشد. **روش تحقیق:** این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و با مراجعه به کتاب ها، مقالات، پایگاه های اینترنتی و منابع الکترونیکی صورت گرفته است که ضمن بررسی اجمالی طلاق و عوامل زمینه سازش، تاثیر آن بر عملکرد و افت تحصیلی دانش آموزان تبیین می شود. **یافته ها:** دوران تحصیل دورانی مهم و اساسی در زندگی نوجوانان است که می تواند دوران بسیار سختی هم باشد. مفاهیم مدام دشوارتر می شود، تکالیف سنگین تر می شود و فشاری که نوجوانان برای آماده شدن جهت کنکور و ورود به دانشگاه احساس می کنند، نیز آزاردهنده است. این جاست که دانش آموزان شروع به کلنجار رفتن با درس ها می کنند. یکی از دلایل رایج افت تحصیلی این است که بسیاری از دانش آموزان درگیر مشکلاتی خانوادگی از جمله طلاق هستند که بر عملکرد تحصیلی کلی شان اثر می گذارد. **نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده نشان می دهد که افت تحصیلی یک معضل مهم و چند وجهی است و برای پیشگیری از آن بایستی به نقش عوامل متعدد توجه داشت. یکی از عوامل مؤثر بر افت تحصیلی و مردودی طلاق والدین است. طلاق به طور مستقیم بر روحیات، علایق، و نیز خلاقیت دانش آموزان تاثیر مستقیم دارد. پژوهش های زیادی نشان می دهد که فرزندان والدینی که از هم طلاق گرفته اند به طور معمول دچار آسیب روانی و کاهش سلامت روان و در پی آن دچار افت تحصیلی می شوند.

واژه های کلیدی: طلاق، افت تحصیلی، دانش آموزان.

مقدمه

طلاق و افزایش روز افزون آن در قرن حاضر برای زنان و مردان متاهل و کسانی که در تدارک تشکیل خانواده هستند زنگ خطری به شمار می‌آید و عوارض ناشی از طلاق و به‌ویژه اثرات شدید روحی آن بر روی فرزندان ما را به این فکر می‌اندازد که چه خوب بود ازدواج‌ها با بصیرت و شناسایی و آگاهی عمیق‌تری از خصوصیات اخلاقی طرفین صورت می‌گرفت تا زوج‌ها در مسائل خانوادگی به توافق کافی می‌رسیدند. پس یکی از بزرگترین خطراتی که در زندگی همه ی انسان‌ها وجود دارد طلاق است، جدایی و طلاق بیشتر متوجه فرزندان خانواده است که دل به عنایت و مهر والدین گرم داشته و خانه را مرکز امید و پناهگاه خویش می‌شناسند، اگر پدران و مادران بدانند طلاق و جدایی چه محرومیتی را برای فرزندان پدید می‌آورد و دل نازک فرزند را چگونه می‌شکند و او را از چه لذاتی محروم می‌سازد، شاید هرگز تن به این کار در ندهند، جدایی پدر و مادر از یکدیگر نوجوان را به اختلال عاطفی دچار می‌سازد؛ حالت افسردگی برای او پدید می‌آورد و در مواردی قدرت اراده و اندیشه را از او باز می‌ستاند و در کل او را چنان پریشان می‌سازد که اثرات شوم آن مادام‌العمر عارض نوجوان است. جدایی از والدین به خاطر طلاق در وضع تحصیلی دانش آموز هم اثر می‌گذارد و باعث افت در عملکرد تحصیلی می‌شود. افت تحصیلی امروزه یکی از نگرانی‌های مهم خانواده و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش‌آموزان در کشورهای مختلف با پدیده‌ای به نام افت تحصیلی مواجه می‌شوند. تجربه‌های خانوادگی می‌توانند در عملکرد تحصیلی دانش‌آموز موثر باشند و طلاق والدین یکی از عوامل موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. از آن طرف هر گاه از تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم همه بر این باور هستیم که فرایند تعلیم و تربیت به مثابه مثلثی مقدس است که یکسوی آن خانه است و سوی دیگرش مدرسه و پایه اش دانش آموز. شرایط خاص مدرسه و چگونگی روابط عاطفی حاکم بر خانواده نقش بسزایی در رفتار تحصیلی و افت تحصیلی نوجوانان دارد.

آموزش و پرورش کشورمان هر ساله به خاطر افت تحصیلی و ترک تحصیل دانش‌آموزان متحمل خساراتی می‌گردد که می‌توان عوامل بسیاری را در این امر دخیل دانست لذا با توجه به اهمیت خانواده در پیشرفت امر تحصیل و با توجه به نظرات متخصصین جامعه شناسی طلاق در جامعه ما روبه افزایش می‌باشد و این پدیده می‌تواند اثرات سوئی در پیشرفت تحصیلی فرزندان خانوادگی طلاق داشته باشد. رابطه بین طلاق و افت تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به اهمیت افت تحصیلی که گریبانگیر اغلب دانش‌آموزان می‌باشد و عدم وجود تحقیقات قاطع که بیانگر اهمیت مسئله باشد. این موضوع همواره احتیاج به بررسی‌های کاملی متناسب با شرایط زمانی و مکانی دارد. تحقیق حاضر درصدد آن است که تاثیر طلاق را بر افت تحصیلی بررسی نماید تا در صورت وجود چنین تأثیری مسئولین آموزشی را تشویق نماید که در جهت رفع این معضل راهکارهای موثرتری را ارائه دهند و والدین را بر آن دارد تا در شیوه برخورد صحیح با فرزندان خود اقدام کنند.

پژوهش‌ها نیز حاکی از این است که طلاق والدین نمایانگر بروز اختلالات رفتاری در فرزندان است. راجرز و رز (۲۰۰۲) گزارش کردند که فرزندان از تجربه‌ی طلاق والدین تأثیرات زیان‌آوری مانند افسردگی، خشم، پرخاشگری و تعارض والد-فرزندی و نیز کاهش سطح تحصیلات آکادمیک و فقدان تعاملات مثبت والدینی را تجربه می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که بزرگسالانی که در کودکی خود یک طلاق را تجربه کرده‌اند، بیش از کسانی که چنین تجربه ای نداشته‌اند تحت استرس و فشار زیاد هستند (گلن و کرامر، ۱۹۸۵؛ کولکا و وینگرانت، ۱۹۷۹؛ کاتز و گامن، ۱۹۹۱؛ به نقل از گاتمن، ۱۹۹۸). این بزرگسالان رضایت کمتری از خانواده و دوستان داشته و اضطراب بیشتری را گزارش می‌کنند و ابراز می‌دارند که مسائل بد بیشتری برای آن‌ها اتفاق می‌افتد و اینکه به طور کلی برایشان مشکل‌تر است که با فشارهای زندگی کنار بیایند (فریدمن، ۱۹۹۵). کوهن (۲۰۰۲) دریافت که فرزندان طلاق ممکن است رفتارهای درونی شده و بیرونی شده بیشتری را نسبت به فرزندان

خانواده‌های سالم به علت تجربه مداوم تعارض و اختلاف والدین تجربه کنند. در تحقیقی که ازبک پور (۱۳۹۷) تحت عنوان بررسی روان شناختی تبعات طلاق در زندگی زناشویی و رنج و عذاب برای فرزندان انجام داده، ذکر شده است: آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان دارد از آن جهت قابل اهمیت است که می تواند زمینه ساز بسیاری از اختلالات رفتاری و روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، ترک تحصیل و افت تحصیلی، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، انزوای اجتماعی و اجتماع ستیزی از آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان به شمار می آیند. رضا خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان مقایسه‌ی نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق به این نتیجه رسیدند که نگرش پسران خانواده‌های عادی نسبت به ازدواج مثبت‌تر و نسبت به طلاق منفی‌تر بود، همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین پسران خانواده‌های عادی و طلاق از نظر دلبستگی به همسالان تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پایگاه‌های اینترنتی و منابع الکترونیکی صورت گرفته است که ضمن بررسی اجمالی طلاق و عوامل زمینه سازش، تاثیر آن بر عملکرد و افت تحصیلی دانش‌آموزان تبیین می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که آسیب‌های طلاق تنها به محیط خانواده محدود نیست. و با مشکلات دانش‌آموزان طلاق در مدرسه دشواری‌های والدین بیشتر می‌شود. دانش‌آموزان در پیش‌بینی آینده خطرات و مشکلات اجتماعی توانایی زیادی ندارند و ممکن است تصور زندگی بدون پدر و مادر، به‌خصوص در سنین مدرسه، برای آن‌ها دشوار باشد. افت تحصیلی دانش‌آموزان طلاق امری طبیعی است، مخصوصاً اگر این طلاق در طول سال تحصیلی اتفاق بیفتد. مقایسه شدن دانش‌آموز با دیگران نیز یکی دیگر از مسائل مهمی است که باید والدین و معلمان نسبت به آن آگاهانه رفتار کنند. آگاهی مربیان مدرسه و سطح بالای درک آن‌ها از شرایط فرزندان طلاق، تأثیر زیادی بر عملکرد دانش‌آموزان طلاق در مدرسه دارد و از مشکلات فرزندان طلاق در مدرسه می‌کاهد. مربیان مدرسه باید از تأکید بر تصویر کلیشه‌ای از خانواده پرهیزند و انواع دیگر خانواده‌ها، مثل تک‌والدی یا خانواده‌های طلاق را نیز بدون هیچ‌گونه سوگیری منفی یا مثبت بیان کنند.

معنای لغوی و اصطلاحی طلاق

در کتاب ارزنده حقوق مدنی زوجین چنین آمده طلاق در لغت اسم از برای اطلاق و تطبیق است. یعنی از بین بردن هر گونه قیدی و در شرع مقدس اسلام عبارت از برداشتن قید نکاح است و همچنین طلاق در لغت رها شدن از قید نکاح است و در عرف عام معانی جدائی از آن در ذهن متبادر می‌شود. صاحب جواهر گوید طلاق در لغت به معنی گشودن گره و رها کردن است و در اصطلاح شرع عبارتست از زائیل کردن قید نکاح به لفظ (طالق) و صاحب بشرح لعمه قید بدون عوض را هم ذکر

کرده‌اند و این قید برای احتراز از خلع و مبارات است که ازله در آن دو در مقابل بذل مهر است. جامعه و اجتماعی شدن مهم است. بنابراین نباید نمره را به عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز در نظر داشته باشند، بلکه هدف یادگیری است. از این رو والدین و مربیان باید انعطاف کافی را در زمینه نمره دانش‌آموزان داشته باشند، تا مشکلاتی را در این زمینه برای دانش‌آموز به وجود نیاورند، پس همه تلاش مربیان و والدین باید جلوگیری از افت تحصیلی دانش‌آموز باشد، زیرا چنانچه افت تحصیلی ادامه یابد به بزهکاری و انحراف دانش‌آموز منجر می‌شود و در نتیجه ترک تحصیل به وجود می‌آید، که یکی از مهم‌ترین عوامل فساد در جامعه می‌باشد (مهدی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

عوامل زمینه ساز طلاق

عوامل فرهنگی اجتماعی

اختلاف تحصیلات زوجین، تفاوت سطح فکری و آگاهی زوجین، انگیزه‌ی ازدواج، نوع همسرگزینی (عدم استقلال در انتخاب شریک زندگی)، نحوه‌ی آشنایی زوجین، شناخت کم نسبت به خصوصیات همسر قبل از ازدواج، شناخت ناکافی خانواده‌های زوجین نسبت به یکدیگر، ضعف در آگاهی از نقش زوجین پیش از ازدواج، نظر مثبت خانواده‌ی فرد نسبت به طلاق، حمایت خانواده از طلاق فرد یا بی‌تفاوتی نسبت به طلاق فرد، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، وجود طلاق در میان بستگان، برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، عدم مشورت مردان با زنان در امور زندگی، اختلاف درباره‌ی محل سکونت، وجود اختلافات عقیدتی و مذهبی، پایبند نبودن همسر به مسائل دینی، توجه بیش از حد همسر به فرزندان، تفاوت‌های قومیتی زوجین، زندانی بودن مرد، تفاوت با همسر در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، اختلاف در فرزندپروری، ازدواج تحمیلی، دخالت مستقیم و غیر مستقیم وابستگان و اطرافیان و دوستان در زندگی، سن پایین ازدواج، تفاوت سنی زیاد زوجین، تعداد فرزندان، سوءاستفاده از مواد و ارتکاب جرم، خشونت خانوادگی از عوامل فرهنگی و اجتماعی طلاق هستند که در تحقیقات مهدی خانی سروجانی (۱۳۸۳)، علی اسماعیلی (۱۳۷۴)، بهرامی (۱۳۸۶)، قطبی و دیگران (۱۳۸۳)، شعبانی (۱۳۸۲)، جعفر طباطبایی (۱۳۸۳) کریمی تهرانی (۱۳۵۸)، جلیلیان (۱۳۷۵) بررسی شده است.

عوامل روانشناختی

عوامل روانشناختی و فردی شامل عوامل ارثی و فیزیولوژیک، ویژگی‌های شخصیتی، روانی و مانند آن می‌باشد که از مهم‌ترین این عوامل، می‌توان به وجود اختلالات و ناهنجاری‌های روانی در خانواده و زندگی زن‌شویی، احساس تنفر و پایان عشق و علاقه‌ی طرفین به یکدیگر، ویژگی‌های روانی و عصبی غیر قابل تحمل، خلق بی ثبات، عصبی بودن همسر، دلواپسی مزمن و بدبینی مفرط همسر، احساس افسردگی، ترس مرضی، تصورات پارانوئیدی، روان پریشی، حساسیت‌های روحی، وسواس فکری و عملی، اضطراب، خصومت با یکدیگر، عدم علاقه، تفکر غیرمعمول و باورهای غیرمنطقی اشاره نمود که در تحقیقات جعفری (۱۳۸۶)، رستمی (۱۳۸۸)، خجسته مهر (۱۳۸۴)، یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) مطرح شده است.

ویژگی‌های شخصیتی

هر چند بسیاری از تفاوت‌های شخصیتی طبیعی است و به تفاوت زیادی در رضایتمندی از رابطه منجر نمی‌شود، ولی دو مورد خاص وجود دارد که مشخص شده است تأثیر زیادی بر مشکلات ارتباطی و طلاق دارند و به نوعی این مشکلات را پیش بینی می‌کنند: یکی ناتوانی در تنظیم عواطف منفی (عصبی بودن) و دیگری سبک دلبستگی همراه با ناامنی. عامل شخصیت روان

رنجورخویی و رضایت زناشویی با هم رابطه منفی دارند و در مقابل عوامل شخصیتی شامل برونگرایی، توافق و وجدانی بودن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. سطح هیجان خواهی زن و شوهر صرف نظر از همسانی و ناهمسانی هیجان خواهی آن‌ها، سازگاری زناشویی را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که ازدواج قراردادی طولانی مدت است که با انعقاد آن محدودیت‌هایی برای افراد ایجاد می‌گردد، این محدودیت‌ها برای افراد هیجان خواه به راحتی قابل پذیرش نیست و لذا سازگاری و رضایت از ازدواج در این افراد کاهش می‌یابد.

عوامل جنسی

وجود عادات جنسی ناپسند در مردان، انحرافات جنسی مرد، عدم تمکین زن، ضعف عملکرد جنسی، کوتاهی در انجام وظایف زناشویی، عقیم بودن مرد یا زن، اختلاف در سلیق جنسی، خیانت مرد به زن، خیانت زن به مرد، مراجعه به مشاورین مرد در امور جنسی، عدم آراستگی جنسی زن، تنوع طلبی جنسی مردان، مقایسه‌ی فعالیت جنسی همسر با زنان دیگر از طرق مختلف، عدم تفاهم جنسی زن و مرد، ناتوانی جنسی زن یا مرد، سرد مزاجی جنسی زن یا مرد، ازدواج مجدد، چند زنی بودن مرد و وجود شخص ثالث، از جمله عوامل جنسی هستند که در تحقیقات فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷)، نیکبخت (۱۳۸۲)، داداش زاده فهیم (۱۳۸۶) به آن‌ها اشاره شده است (آزاد، ۱۳۹۶).

افت تحصیلی

فرهنگ عمید واژه افت را کمبود کمی و کاست و نقصان معنا کرده است. در فرهنگ معین واژه افت به معنای افتادن کمبود جنس، کمی و کاست و نقصان می‌باشد. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش‌آموز از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. توجه به این تعریف نشان می‌دهد که مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش‌آموز بهترین شاخص افت تحصیلی است (کوهستانی و همکاران، ۱۳۹۲). برای تبیین شکست تحصیلی معمولاً از کلمه‌ی افت یا اتلاف تحصیلی استفاده می‌شود. از دیدگاه امین فر (۱۳۶۵) اصطلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش از زبان اقتصاد دانان گرفته شده است و آموزش و پرورش را به صنعتی تشبیه می‌کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه که باید به محصول نهایی تبدیل شود را تلف می‌کند و نتیجه‌ی مطلوب و مورد انتظار را به بار نمی‌آورد (سلسبیلی و همکاران، ۱۳۸۴).

انواع افت

انواع افت را می‌توان به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرد:

افت کمی: عبارت است از درصدی از دانش‌آموزان یک دوره‌ی آموزشی که به سبب مردود شدن یا ترک تحصیل نتوانسته اند آن دوره را با موفقیت بگذرانند.

افت کیفی: عبارت است از نارسایی در رسیدن به اهداف تعیین شده و یا عدم تحقق بخشی از این هدف‌ها. بنابراین تفاوت بین دانش و مهارت فارغ التحصیلان یک دوره‌ی آموزشی و هدف تعیین شده برای این دوره افت کیفی را نشان می‌دهد (کوشکی، ۱۳۹۳).

عوامل افت تحصیلی دانش‌آموزان مربوط به خانواده:

- اختلاف خانوادگی و خانواده آشفته، طلاق فیزیکی یا روانی والدین، وجود نامادری یا ناپدیری و غیره.
- اختلاف فرزندان با خانواده مانند لجبازی با والدین و اعتراض به جو خانواده.
- وابسته و متکی نمودن فرزندان به والدین در امور درسی و تکالیف منزل از دوران ابتدایی.
- تحقیر، سرزنش و مقایسه نادرست فرزندان با همسالان موفق و در نتیجه پایین آوردن اعتماد به نفس و خود پنداری آنان.
- تغییرات منفی در خانواده مانند ورشکستگی سیاسی و اقتصادی و اعتیاد و غیره.
- تغییر در جهت ارتقای سریع و غیر مترقبه سطح اقتصادی یا اجتماعی خانواده و از خود باختگی و غافلگیر شدن فرزندان و انواع انحرافات (باهنر، ۱۳۸۰).

خانواده و نقش آن بر افت تحصیلی دانش‌آموزان

۱- محرومیت فرهنگی

۲- فقر و محرومیت اقتصادی

۳- عوامل عاطفی و رفتاری خانواده

۴- فقدان والدین

۵- بی سوادی والدین

۶- تعداد اعضای خانواده

در ادامه بخشی از آسیب‌ها و پیامدهای منفی جدایی والدین را بررسی می‌کنیم:

۱. کم شدن اعتماد به نفس؛ کودکان در شرایط طلاق، حمایت خود را در محیط خانواده از دست داده و با از دست دادن حمایت بیرونی، حمایت درونی و اعتماد به نفس را نیز از دست می‌دهند. آنها در آینده نمی‌توانند افرادی با تأثیر گذاری روی دیگران و اجتماع باشند و هرگز جسارت ریسک کردن و خلاقیت را نخواهند داشت.
۲. کودکانی که کانون گرم خانواده را از دست می‌دهند، عملاً توجه عاطفی را که قبلاً داشته را نخواهند داشت و این مسئله روح آنها را آزار می‌دهد.
۳. رشد احتمال بزهکاری؛ تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان در خانواده‌های طلاق زمینه بیشتری برای جرم و بزهکاری در آینده خواهند داشت.
۴. عدم نظارت والدین؛ درست در زمانی که والدین سرگرم حل مشکلات خود هستند و به زحمت می‌توانند مشکلات زندگی آشفته خود پس از طلاق را حل کنند، کودکان و نوجوانان در این خانواده‌ها به دور از چشم پدر یا مادر با رفتار نادرست و یا با رابطه با افراد ناباب، آینده‌ای تاریک را برای خود رقم می‌زنند.

۵. احساس حقارت و احساس گناه؛ کودکان ممکن است احساس کنند که آنها عامل و دلیل جدایی والدین بوده‌اند. این احساس باعث بروز مشکلات روانی در کودک می‌شوند.
۶. عدم آموزش رفتار متناسب با نقش؛ پدر منبع همانند سازی پسر و مادر منبع همانند سازی پسر می‌باشد. کودکان رفتار متناسب با جنس خود را از والدین یاد می‌گیرند. کودکان پرورشگاهی معمولاً در نحوه برخورد به عنوان زن یا مرد مشکل داشته و نحوه ابراز محبت به همسر در آینده را به نحو صحیح بلد نیستند. فرزندان طلاق نیز باید فردی را به عنوان الگو برای خود انتخاب کنند. بنابراین داشتن گستره رابطه خویشاوندی در خانواده‌های طلاق و داشتن رابطه عاطفی مفید و مستمر با فردی سالم و ذی نفوذ بر روی کودک و نوجوان که همجنس او نیز هست، ضروری می‌باشد.
۷. خلأهای عاطفی؛ پدر و مادر اولین و اصلی‌ترین منبع محبت برای کودکان می‌باشند. زمانی که کودک، والدین یا یکی از آنها را از دست می‌دهد، احساس می‌کند منبع محبت خود را از دست داده است. بنابراین تعیین منبع جایگزین برای تغذیه عاطفی کودکان ضروری می‌باشد.
۸. وقوع طلاق در خانواده باعث می‌شود اکثر نوجوانان از ایجاد یک رابطه مبتنی بر عشق بترسند.
۹. آنها فکر می‌کنند با دور نگه داشتن خودشان از دیگران به لحاظ احساسی از صدمات و ناراحتی‌های بعدی در امان هستند.
۱۰. توقعات از دیگران حتی از زندگی آینده خود را کاهش می‌دهند و در برابر اصلاح امور، احساس ناتوانی می‌کنند.
۱۱. توانایی‌های اجتماعی آنها تحت تاثیر قرار می‌گیرد.
۱۲. نیاز به داشتن پدر به خصوص برای پسران در اواسط و اواخر نوجوانی به شکلی واضح احساس شده است (متخصص، ۱۳۹۶).

آثار متفاوت طلاق در دختران و پسران

پسرانی که با پدران و دخترانی که با مادران خود زندگی می‌کنند، ممکن است بهتر از بچه‌های بزرگ شده توسط جنس مخالف در والدین عمل کنند. پسران دانش‌آموزی که با پدر خود یا سرپرستی توافقی والدین خود زندگی می‌کنند، نسبت به آن دسته که با مادر خود زندگی می‌کنند، ناسازگاری کمتری در مدرسه دارند. دخترانی که مادران شان آنها را پرورش می‌دهند علاقه‌ی بیشتری به بلوغ دارند تا آن‌هایی که پدران شان آنها را پرورش می‌دهند. اگرچه ممکن است بزرگ کردن یک پسر جوان توسط مادر یا دختر جوان توسط پدر، سخت و دشوار باشد، با وجود این انطباق و سازگاری بچه‌ها با والدین بیش‌تر به کیفیت روابط والدین-فرزند مربوط می‌شود تا سن و جنس بچه (مهدوی، ۱۳۸۵).

پیامدهای طلاق بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

طلاق باعث می‌شود که دانش‌آموز دچار حسرت روانی ناشی از عدم حضور والدین کنار خود شده و سریعاً دچار اضطراب شود در واقع دانش‌آموز علاقه‌ی خود به یادگیری را از دست می‌دهد و موضوعات درسی وسیله‌ای می‌شوند تا او بتواند مسائل و مشکلات خود را به فراموشی بسپارد و دیگر به کسب جایزه و رتبه و رقابت فکر نکند و این امر راندمان فعالیت آموزشی و

تربیتی او را پایین می‌آورد. او فقط برای این به مدرسه می‌آید که بتواند خود را سرگرم کند و از ناراحتی خود کم کند. این دانش‌آموزان حتی به لحاظ حسی - حرکتی دچار مشکل شده و دچار اختلال خوردن و خواب می‌شوند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۴). ابتدا به مشکلاتی مثل افسردگی، داشتن دغدغه‌های مختلف موجب می‌شود که دانش‌آموزان طلاق تمرکز کافی در کلاس درس را برای فهمیدن دروس و انجام خواسته‌های معلم نداشته باشند. هم چنین به دلیل مشکلات خانواده و ناآرامی های آن و گاهی اوقات انجام کارهای خانه و مراقبت از خواهر و برادر کوچک‌تر ممکن است نتوانند تکالیف شان را به خوبی انجام دهند (عابدینیا، ۱۳۹۸).

راهکارهای عملی انجام شده برای کاهش افت تحصیلی در کشورهای هم سطح

افت تحصیلی موضوعی غیر قابل حل نیست اما حل آن هم یکباره و ناگهانی و با شیوه های آنی میسر نیست برای مقابله با این پدیده به برنامه ریزی های دراز مدت و زیر بنایی احتیاج است. برنامه هایی که بر اساس واقعیت های اجتماعی باشند و ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه ریزی آموزشی را داشته باشند. بهره گیری از مطالعات تطبیقی یعنی استفاده از تجربیات سایر کشورها.

به عنوان مثال در هند راه های زیر را به کار برده اند:

۱- روش های موثر تدریس عرضه گردید.

۲- باز آموزی معلمان آغاز شد.

۳- بین والدین و معلمان رابطه نزدیک تر ایجاد شد.

در کشور پاکستان بیشتر روی بازآموزی ها تاکید شده و باز آموزی معلمان را سر لوحه کار خود قرار داده اند و معتقدند که این کار باید شامل آموزش مهارت های تدریس، بازنگری محتوای دروس و آموزش مهارت هایی باشد که انگیزه دانش آموزان را به درس و تحصیل بیشتر کند. (افشاری، ۱۳۹۵).

نتیجه گیری

خانواده نخستین و بنیادی ترین نهادی است که برای پاسخگویی به نیازهای فطری بشر، به ویژه نیاز به زندگی اجتماعی شکل گرفته است و نزدیک ترین و عمیق ترین تعامل بشر در بستر خانواده تحقق می‌یابد؛ به گونه‌ای که هیچ یک از انسان‌ها خود را بی نیاز از عضویت در این نهاد اولیه ندانسته‌اند. یکی از مشکلاتی که از درون خانواده به پا می‌خیزد و علت آن هم مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است طلاق می‌باشد. این مشکل (طلاق) می‌تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود. شرایط نابسامان خانواده طلاق گرفته، جهل و غفلت والدین و سهل انگاری آن‌ها و... از اموری هستند که زمینه ساز تأثیرات زیادی بر فرزندان خود هستند که از جمله آنها میتوان بر تاثیر طلاق بر افت تحصیلی دانش‌آموزان اشاره نمود. پایان یافتن زندگی زناشویی، آغاز شروع مشکلات اجتماعی فرزندان بوده و در

صورت بی توجهی والدین به فرزندان، آن‌ها در برابر عوامل محیطی آسیب‌پذیر تر خواهند شد. جدید ترین پژوهش‌ها نشان می‌دهند، فرزندان در ۲ سال نخست پس از جدایی، آسیب پذیرتر بوده و معضلات اجتماعی، روان و جسم آن‌ها را بیشتر تحت تأثیر مخرب خود قرار می‌دهد. پژوهشگران کاهش تمرکز ذهنی فرزندان، و افزایش احتمال ابتلا به اختلال یادگیری به ویژه در دروسی که نیازمند تفکر و استدلال است را از تبعات منفی جدایی والدین می‌دانند. آمارها نشان می‌دهد افت تحصیلی، به ویژه در دروس استدلالی، اختلال در برقراری تعاملات اجتماعی و عاطفی و افزایش احتمال ابتلا به مشکلاتی مانند اضطراب و افسردگی تا ۲ سال پس از جدایی پدر و مادر بیش از هر زمانی سلامت ذهنی و روانی فرزندان را تهدید می‌کند. به عقیده محققان، جدال‌های زن و شوهری و مشکلات خانوادگی به طور چشمگیری بر روند یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد، اما به محض جدایی والدین، فرزندان تحت تأثیر آسیب‌های طلاق قرار گرفته و تا ۲ سال پس از جدایی، تأثیرات این پیامدهای منفی قابل توجه خواهد بود. روانشناسان معتقدند، در صورتی که والدین تصمیم به جدایی دارند، باید تبعات این تغییر را در زندگی فرزندان شان مورد توجه قرار داده و آن‌ها را برای پذیرش چنین تغییراتی آماده کنند.

منابع

آزاد، پیمان (۱۳۹۶). طلاق و تأثیر آن بر فرزندان.

<http://eslahe.com/22795>

افشاری، ملوس (۱۳۹۵). بررسی علل افت تحصیلی و تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.

ازبک پور، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی روان شناختی تبعات طلاق در زندگی زناشویی و رنج و عذاب برای فرزندان. نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۴(۱).

با هنر، ناصر (۱۳۸۰). آموزش مفاهیم همگام با روانشناسی رشد. شرکت چاپ و نشر بین الملل.

خجسته مهر، رضا؛ ممبینی، جعفر و اصلانی، خالد (۱۳۹۲). مقایسه‌ی نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. مجله‌ی روانشناسی مدرسه، ۲(۳)، ۵۷-۷۵.

عابدنیا، نسرین (۱۳۹۸). بررسی وضعیت فرزندان طلاق.

کوشکی، فاطمه (۱۳۹۳). پایان نامه: نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان.

متخصص، سارا (۱۳۹۶). اقدام پژوهی خانواده و نقش آن بر افت تحصیلی دانش‌آموزان.

<http://kolbearamesh94.blogfa.com/post/215>

مهدوی، رضانی (۱۳۸۵). نشریه اصلاح و تربیت. شماره ۵۲، ص ۸-۷.

مهدی مقدم، امیرحسین؛ کریمی، فاطمه و مهدی مقدم، حدیث (۱۴۰۱). بررسی تأثیر طلاق بر افت تحصیلی دانش‌آموزان. محله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۵(۵۵).

منصوری، سعیده؛ کدخدا دهقانی، فاطمه؛ کرچیان ظهرودی، اسما و سالاری، پروین (۱۳۹۴). تاثیر طلاق والدین بر زندگی فرزندان. دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

Cohen, G. J. (2002). Helping children and families deal with divorce and separation. American Academy of Pediatrics, 6, 1019-1022.

Gottman, J. M. (1998). On the etiology of marital decay and its consequences: Comments from a clinical psychologist. In T. N. Bradbury (Ed.), the developmental course of marital dysfunction (pp. 423-426). New York: Cambridge University Press.

Rodgers, K. B. & Rose, H. A. (2002). Risk and resiliency factors among adolescents who experience marital transitions. Journal of Marriage and Family, 64, 124-138.